

بررسی دیدگاه‌های تفسیری ثعلبی، رازی، سیوطی، آلوسی و زحیلی در تفسیر آیه اکمال

هادی رزاقی*

چکیده

یکی از آیات مرتبط با موضوع انتصاب حضرت علی علیه السلام به امامت در روز غدیر آیه سوم سوره مائده است. درباره شأن نزول و تعیین رخداد این آیه میان مفسران فریقین اختلاف است. مفسران شیعه با استناد به آیات و روایات به صراحت آیه را در باره اعلان ولایت و جانشینی امام علی علیه السلام در روز غدیر ذکر نموده‌اند، اما برخی از مفسران اهل سنت زمان نزول آیه اکمال را روز عرفه دانسته و آن را روز اکمال احکام، فرائض و سنن الهی می‌دانند؛ به گونه‌ای که پس از آن هیچ حکم دیگری از فرائض بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل نشده و دین کامل گردیده است. برخی دیگر از اهل سنت نزول آیه را در روز غدیر و مربوط به جانشینی امام علی علیه السلام دانسته‌اند. این مقاله بر آن است تا ضمن بررسی آراء و دیدگاه‌های تفسیری مفسرانی مانند: ثعلبی، رازی، سیوطی، آلوسی و زحیلی، شأن نزول آیه اکمال را در ترازی نقد قرار دهد و راه اثبات اندیشه تفسیری شیعه که همان تأیید امامت و ولایت حضرت علی علیه السلام است، هموار نماید.

واژگان کلیدی

آیه ۳ مائده، آیه اکمال، تفاسیر اهل سنت.

razaghi@nit.ac.ir

*. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۳/۲۵

طرح مسئله

از جمله آیاتی که شیعه برای اثبات موضوع ولایت و جانشینی حضرت علی علیه السلام پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم به آن استناد کرده، آیه ۳ سوره مائده است. شیعه معتقد است که مطابق این آیه با اعلام ولایت پس از پیامبر صلی الله علیه و آله دین کامل و نعمت خدای متعال تکمیل گشته است. بخش نخست آیه سوم از سوره مائده، گروهی از گوشت‌های حرام را برمی‌شمارد که در واقع استثنایی برای آیه نخست است. در بخش میانی آیه، مطلبی نو را بیان می‌دارد و می‌فرماید:

الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاثْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا.

امروز کسانی که کافر شده‌اند از [کارشکنی در] دین شما نومید گردیده‌اند. پس، از ایشان مترسید و از من بترسید. امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم و اسلام را برای شما [به‌عنوان] آیینی برگزیدم.

علامه طباطبایی در تفسیر آیه می‌نویسد:

بخش میانی آیه جمله معترضه است که در میان آیه قرار داده شده است؛ زیرا دلالت و ظاهر آیه به هیچ وجه متوقف بر بخش میانی نیست و به آن احتیاجی ندارد. مؤید این سخن این است که روایات شأن نزول آیه فقط بخش میانی؛ یعنی «الیوم» را ذکر می‌کنند و به اصل آیه؛ یعنی «حُرِّمْتُ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ» اشاره نمی‌کنند. (طباطبایی، ۱۳۴۸: ۵ / ۱۶۷)

در این باره که مراد از «الیوم» چیست؟ نظرهایی مطرح شده است. برای مشخص نمودن این روز مهم - که روز مایوس شدن کافران، کامل شدن دین، تمام گردانیدن نعمت و انتخاب اسلام به‌عنوان آیین الهی است - به سراغ قرائن، نشانه‌ها، فضای نزول سوره می‌رویم و بیان خواهیم کرد که هم از نظر تاریخی (یعقوبی، بی‌تا: ۲ / ۱۱۲) و هم از نظر شواهد موجود در آیه، مراد از «الیوم»، روز غدیر خم است و نه روز عرفه، چون روز عرفه نشانه‌های بیان شده در آیه را دارا نیست. (طباطبایی، ۱۳۴۸: ۵ / ۱۷۰) در ادامه آیه چنین آمده: «يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ...» این آیه نخستین صفتی را که برای روز غدیر خم بیان نموده ناامیدی کافران از دین مسلمانان است؛ کافرانی که از روزهای نخست رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله با شیوه‌های گوناگونی همچون وعده، وعید، آزار و اذیت، محاصره، جنگ، ریختن خون و مبارزه فرهنگی در پی براندازی این حرکت الهی بودند و از هیچ اقدامی کوتاهی نمی‌کردند.

کافرانی که خدا پیش از این، مسلمانان را از آنان برحذر می‌داشت و می‌فرمود: «کافران، دائم نقشه می‌کشند و دوست دارند که شما را از دینتان برگردانند و علیه آن اقدام کنند.» (بقره / ۱۰۹؛ آل عمران / ۱۴۹؛ صف / ۸) پس «فَلَا تَحْشَوْهُمْ» از کافران نترسید؛ چراکه حکومت پر قدرت اسلامی با تعیین جانشین پیامبر و سرپرست جامعه می‌تواند با صلابت و قدرت به راه خود ادامه دهد و نقشه‌ها و آرزوهای کافران را که چشم به رحلت پیامبر ﷺ دوخته بودند، نقش بر آب نماید. با این حال، مسلمانان باید متوجه این زنگ خطر باشند که اگر قدر نعمت الهی و جانشین پیامبر ﷺ را ندانند، بلاهای بسیار بزرگی در انتظارشان است. «وَأَخْشَوْنَ» باید از خدا ترسید؛ چون سنت الهی این است که اگر ملتی قدر نعمت الهی را ندانند، خدا آن نعمت را از آنها خواهد گرفت. (انفال / ۵۳؛ رعد / ۱۱)

دیدگاه مفسران اهل سنت درباره تفسیر آیه اکمال

اکثر مفسران اهل سنت نزول آیه اکمال را در حجة الوداع و روز عرفه دانسته و در خصوص تعیین رخداد در روز عرفه، اکمال دین را به نزول اتمام فرایض و احکام از جانب خدا می‌دانند و می‌نویسند: روز اکمال دین «الیوم»، روز نزول فرایض و سنن و حدود و احکام حلال و حرام بوده و پس از آن هیچ حکمی دیگر از فرایض بر پیامبر اکرم ﷺ نازل نشده و دین کامل گردید. برخی دیگر از اهل سنت نزول این آیه را در روز غدیر خم و موضوع آن را مربوط به جانشینی امام علی علیه السلام دانسته‌اند.

یک. مفسران قائل به نزول آیه اکمال در روز عرفه

عده‌ای زیادی از مفسران اهل سنت بر این باورند که آیه اکمال در حجة الوداع و روز عرفه نازل شده است و در اینکه مقصود از «الیوم» چه روزی است؟ آن را روز خاص و مشخصی ندانسته و بیان داشته‌اند که مراد از اکمال دین، روز نزول فرایض، سنن، حدود و احکام حلال و حرام بوده و پس از آن هیچ حکم دیگری از فرایض بر پیامبر اکرم ﷺ نازل نشده است و دین اسلام در این روز کامل گردید. از جمله این مفسران عبارتند از:

۱. ابواسحاق احمد ثعلبی (م. ۴۲۷ ق)

ثعلبی مانند ابن جریر طبری معنای اکمال دین را نزول تمام فرایض از جانب خدا دانسته و می‌گوید:

الْيَوْمَ وَ هُوَ يَوْمَ نَزُولِ هَذِهِ الْآيَةِ «أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ»؛ أَيِ الْفَرَائِضِ وَالسَّنَنِ وَالْحُدُودِ وَالْأَحْكَامِ وَالْحَلَالِ وَالْحَرَامِ فَلَمْ يَنْزَلْ بَعْدَ هَذِهِ الْآيَةِ حَلَالٌ وَلَا حَرَامٌ وَلَا شَيْءٌ مِنَ الْفَرَائِضِ. (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۴ / ۱۷)

الیوم و آن، روز نزول «أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ»؛ یعنی نزول فرایض، سنن، حدود و احکام حلال و حرام و پس از آن هیچ حکمی دیگر از فرایض نازل نشد و دین کامل گردید.

ایشان در ادامه می‌نویسد: این آیه در حجةالوداع و در روز عرفه نازل شد. او در تفسیرش روایتی را از طارق بن شهاب در این باره نقل می‌کند و می‌نویسد:

از طارق بن شهاب روایت شده که می‌گوید: مردی از اهل یهود نزد عمر آمد و گفت: ای امیرمؤمنان، در کتاب شما آیه‌ای است که آن را می‌خوانید و اگر این آیه بر ما گروه یهود نازل می‌شد ما آن روز را عید می‌گرفتیم. عمر گرفت: کدام آیه؟ گفت: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» عمر بن خطاب گفت: هر آینه آن روز و مکانی که آیه در آن مکان بر پیامبر ﷺ نازل شده است را می‌دانم؛ آیه زمانی بر پیامبر نازل شده که پیامبر ﷺ در روز جمعه در عرفه وقوف کرده بود. (همان: ۴ / ۱۷)

مقاتل بن سلیمان و زمخشری نیز روز اکمال دین را روز نزول فرایض، سنن، حدود و احکام حلال و حرام دانسته و می‌نویسند: این آیه در حجةالوداع و در عصر روز عرفه نازل شد. (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۱ / ۴۵۳؛ زمخشری، بی‌تا: ۱ / ۶۰۵)

۲. فخر رازی (م. ۶۰۶ ق)

فخر رازی ابتدا در باره تفسیر آیه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» می‌گوید: «أن المراد: إني أكملت لكم ما تحتاجون إليه في تكاليفكم من تعلم الحلال و الحرام؛ مراد از آیه اکمال این است که آن چه را شما در تکالیفتان بدان نیاز داشتید از جمله حلال و حرام برای شما کامل گردانیدم.» سپس در ادامه می‌نویسد: «هرچند ممکن است گفته شود: آیه - «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» - اقتضا می‌کند که قبل از آن روز معین، دین ناقص بوده باشد و بعدا کامل شده است.»

ایشان در ادامه درباره شأن نزول آیه دو قول را بیان می‌کند؛ یکی از اقوال به هجدهم ذی‌الحجه، روز غدیر خم برمی‌گردد و دیگری به روز عرفه. او می‌نویسد: «اصحاب بیان داشته‌اند که پیامبر ﷺ پس از نزول این آیه، بیش از ۸۱ روز عمر نکرد و هرگاه وفات رسول خدا روز دوازدهم ربیع‌الآفراق افتاده باشد، روز نزول آیه، همان روز هجدهم ذی‌الحجه؛ یعنی روز غدیر خواهد بود.» (رازی، ۱۴۲۱: ۱۱ / ۲۸۹) فخر رازی سپس در ادامه مطلب، قول دیگری را نقل می‌کند و می‌گوید: «أن المراد به يوم نزول هذه الآية و قد نزلت يوم الجمعة و كان يوم عرفه بعد العصر في حجةالوداع سنة عشر و النبي

صلی الله علیه و سلم واقف بعرفات علی ناقته العضا.» (همان: ۱۱ / ۲۹۰) احتمال دارد که بگوییم آیه اکمال در روز عرفه بر پیامبر نازل شده و کلمه «الیوم» نیز در معنای حقیقی آن به کار رفته که همان روز خاص و معینی است و آن روز، هشتم ماه ذی‌الحجه در آخرین سفر حج پیامبر ﷺ در سال دهم هجرت بوده است؛ یعنی در روز عرفه.

۳. جلال‌الدین سیوطی (م. ۶۱۱ ق)

جلال‌الدین سیوطی در بیان اینکه شأن نزول آیه درباره چه روزی است؟ روایات مختلفی را در این مورد بیان می‌کند. ایشان در اینکه براساس یک احتمال، شأن نزول آیه در مورد جانشینی حضرت علی ﷺ در روز غدیر خم باشد دو روایت نقل می‌کند، که عبارتند از:

الف) سیوطی از ابن‌مردویه و او از ابو سعید خدری روایت کرده که گفته است:

ابن‌مردویه به روایت ضعیفی از ابوهیره نقل می‌کند که: هنگامی که پیامبر اکرم ﷺ حضرت علی ﷺ را در روز غدیر خم؛ یعنی هجدهم ذی‌الحجه، منصوب کرد و ولایت او را اعلان نمود، جبرئیل امین بر پیامبر اکرم ﷺ نازل شد و آیه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» را بیان نمود. (سیوطی، ۱۳۶۳: ۲ / ۲۵۹)

ب) همچنین سیوطی در روایت دیگری به نقل از ابوهیره می‌گوید:

خطیب بغدادی با سند معتبر در تاریخ خود از ابوهیره نقل کرده است:

هر کس روز هجدهم ذی‌الحجه را روزه بدارد، خدا برای او روزه ۶۰ ماه را می‌نویسد و آن روز، روز غدیر خم است. هنگامی که پیامبر دست علی را گرفت و گفت: آیا من ولی مؤمنان نیستم؟ گفتند: آری ای رسول خدا، پس گفت: هر کس که من مولای اویم، علی مولای او است. پس عمر بن خطاب گفت: به‌به تو را ای پسر ابی‌طالب، امروز مولای من و مولای هر مؤمنی شدی. در اینجا بود که خدا این آیه را نازل کرد: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...». (همان: ۲ / ۲۶۱)

این روایت می‌رساند که شأن نزول آیه اکمال در روز غدیر خم بوده است. او در ادامه می‌گوید روایات در خصوص روز غدیر ضعیف بوده و صحیح آن است که این آیه در روز عرفه که روز جمعه بود نازل شده است و در این خصوص روایتی را از طارق بن شهاب نقل می‌کند که شرح آن گذشت. (همان: ۲۶۲)

ابن کثیر دمشقی نیز ابتدا در تفسیرش قائل به این است که این آیه بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مسیر حجة الوداع در روز غدیر خم نازل شده است و در تأیید آن، روایت منقوله‌ای از ابن مردویه به نقل از ابوهریره را بیان می‌نماید به اینکه آیه اکمال در روز غدیر خم نازل شده است؛ زمانی که پیامبر دست علی رضی الله عنه را بلند کرد و فرمود: «من كنت مولاه فعلي مولاه.» (ابن کثیر، ۱۹۸۷: ۳ / ۲۴) و آن روز هجدهم ذی‌الحجه در حجة الوداع بوده است.

قرطبی نیز در ابتدا نظرش این است که این آیه بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مسیر حجة الوداع در روز غدیر خم نازل شده، سپس از قول خودش منصرف می‌شود و این قول را ضعیف شمرده و می‌گوید: «صحیح آن است که این آیه در روز عرفه که جمعه بود، نازل شده و این امر قطعی است و در این باره روایات متواتری از فقها رسیده است که هیچ شکی در صحت آنها نیست. (قرطبی، ۱۹۸۵: ۶ / ۶۱) در پاسخ اجمالی به مفسرانی مانند ابن کثیر و سیوطی باید بیان داشت که:

اولاً، به چه دلیلی حکم به ضعف سند یا وضع حدیث در روایاتی که شأن نزول آیه را در غدیر خم می‌دانند نموده‌اند؟ ایشان که همه افراد سند را مورد بررسی قرار نداده‌اند تا جرح و تعدیل این افراد از نظر رجال‌شناسی بررسی گردد. از این رو به صورت سر بسته و کلی، حکم به ضعف سند نموده‌اند که این کار درستی نیست. بسیاری از افراد در این احادیث از جمله طُرق خطیب بغدادی از ابوهریره (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۸ / ۲۹۰) بنابر موازین سندشناسی خود اهل سنت معتبر و قابل قبول است و علامه امینی تک‌تک رجال سند حدیث را بررسی نموده و حکم به توثیق رجال آنان کرده است. (امینی، ۱۳۶۶: ۱ / ۲۹۴-۶)

ثانیاً، احتمالاً با توجه به اینکه اهل سنت نزول آیه اکمال در روز عرفه را قوی‌تر یا حتی مقطوع می‌دانند (طبری، ۱۹۸۸: ۴ / ۸۲، ابن کثیر، ۱۹۸۷: ۲ / ۱۲) به همین دلیل از روایات غدیر چشم‌پوشی نموده‌اند و آنها را معارض با حدیث خود دانسته‌اند، در حالی که مقطوع بودن در صورتی است که طرق آن متواتر باشد یا قرائن و شواهدی از قرآن و سنت بر آن مطلب داشته باشد، ولی نه طرق روایات در خصوص روز عرفه متواتر است و نه شواهدی از قرآن و روایات این قول را تأیید می‌کند بلکه برعکس، روایات مخالف این روایات وجود دارد که در مصادر شیعی با طرق گوناگون و برخی با سند صحیح (کلینی، ۱۳۸۸: ۱ / ۲۹۰) نقل شده است.

۴. شهاب‌الدین سید محمود آلوسی (م. ۱۲۷۰ ق)

آلوسی نیز روز اکمال دین، را روز نزول فرایض، سنن، حدود و احکام حلال و حرام دانسته، می‌گوید

بررسی دیدگاه‌های تفسیری ثعلبی، رازی، سیوطی، آلوسی و زحیلی در ... □ ۱۸۷

پس از آن هیچ حکمی دیگر از فرایض بر پیامبر اکرم ﷺ نازل نشد و دین کامل گردید. (آلوسی، ۱۴۱۷: ۳ / ۳۳۲)

ایشان همچنین درباره شأن نزول آیه اکمال دو روایت نقل می‌کند؛ در روایت اول قائل به شأن نزول آیه در روز عرفه می‌شود. در روایت دوم ایشان روایتی را از قول شیعه نقل می‌کند که مربوط به روز غدیرخیم است. آلوسی در روایت اول به نقل از ابن عباس می‌نویسد: «این آیه در حجة‌الوداع در روز عرفه نازل شده است و بعد از آن دیگر احکامی نازل نشده است و دین کامل گشت و پیامبر ﷺ بعد از آن ۸۱ روز بیشتر زنده نبوده است». (همان: ۳ / ۳۳۳)

ایشان در روایت دیگر می‌نویسد: شیعه از ابوسعید خدری روایت می‌کند که آیه اکمال در روز غدیرخیم نازل شده است. بعد از این مطلب می‌گوید: این از بافته‌های شیعه است. (همان: ۲۳۴) قابل ذکر است این عبارت ایشان دقیقاً شبیه عبارت ابن تیمیه در *منهاج السنه* است. (ابن تیمیه، ۱۴۱۵: ۴۴۳) که شیعه را متهم به کذب و دروغ‌گویی می‌کند.

در پاسخ به سخنان آلوسی که گفته این روایات غدیر از بافته‌های شیعه است می‌گوییم:

یک. این احادیث فقط در مصادر شیعه وجود ندارد که باعث اتهام به آنها شود، بلکه این روایات در مصادر اهل سنت با چند طریق از ابوسعید خدری نیز نقل شده‌اند، از جمله شیخ حموی جوینی در *فرائد السمطين* (۱۳۹۸: ۱ / ۷۴) با دو طریق روایت را از ابوسعید خدری نقل می‌کند و همچنین حاکم حسکانی در *شواهد التنزیل* (۱۴۱۱: ۱ / ۲۳۸) و خطیب خوارزمی در *المناقب* (۱۴۲۱: ۱۳۵) و ابونعیم و سیوطی ... از این رو با این بیان نمی‌شود شیعه را در این باره متهم و یا آن روایات را از بافته‌های شیعه دانست.

دو. در مصادر اهل سنت درباره شأن نزول آیه در خصوص علی ﷺ تنها از ابو سعید خدری روایات نقل نشده است بلکه از افراد دیگری مانند ابوهریره (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۸ / ۲۹) و ابن عباس (حسکانی، ۱۴۱۱: ۱ / ۲۴۶) و ... نیز روایت شده است.

سه. کلام علامه امینی در جواب آلوسی مفاد کدام بخش از این احادیث رکیک تلقی می‌شود؟ آیا در الفاظ است یا در معنا؟ قطعاً در الفاظ نیست؛ زیرا حدیث از هرگونه تکلف و ضعف مبراً است. در حقیقت این حدیث چون ولایت و امامت حضرت علی ﷺ را ثابت می‌کند و با عقیده و نظر اهل سنت مخالف است، این کلام را رکیک تلقی می‌کنند والا چیزی از رکاکت در این حدیث نه در الفاظ و نه در معنا مشاهده نمی‌شود. (امینی، ۱۳۶۶: ۱ / ۴۵۸)

۵. وهبه زحیلی (ت ۱۳۵۱ ق)

وهبه زحیلی نیز روز اکمال دین، را روز نزول فرایض، سنن، حدود و احکام حلال و حرام دانسته، می‌نویسد: «أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ أَحْكَامَهُ وَ فَرَائِضَهُ، فَلَمْ يَنْزِلْ بَعْدَهَا حَلَالٌ وَ لَا حَرَامٌ ...» امروز دین شما، اسلام کامل شد؛ یعنی برای شما حلال و حرام و تمام احکامی که به آن احتیاج است به روشنی بیان شد و هیچ پیچیدگی در آن نیست. «وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي بِإِكْمَالِهِ وَقِيلَ: بِدُخُولِ مَكَّةَ آمَنِينَ ...»؛ (زحیلی، ۱۴۱۸: ۶ / ۷۵) یعنی منت بر شما تمام شد؛ به عبارت دیگر مشرکان با شما حج نکردند؛ مکه فتح شد و وعده‌ها تحقق یافت. مردم در دین خدا فوج فوج وارد شدند و پیروزی بر شما محقق شد. ایشان در ادامه درباره شأن نزول آیه اکمال می‌نویسد:

منظور روز عرفه در حجة الوداع، سال دهم هجری است و آن روز، جمعه بوده است که این آیه در آن نازل شده است و کفار در این روز مأیوس شدند از اینکه بر دین اسلام غالب شوند و یا آن را ابطال نمایند. (همان: ۶ / ۸۷)

در پایان روایتی را از باب تأیید این قول از ابن عباس درباره شأن نزول آیه نقل می‌کند که: «مردی از اهل یهود نزد عمر آمد و گفت ای امیرمؤمنان، در کتاب شما آیه‌ای است که آن را می‌خوانید و اگر این آیه بر ما گروه یهود نازل می‌شد ما آن روز را عید می‌گرفتیم. عمر گرفت: کدام آیه؟ گفت: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» عمر بن خطاب گفت: هر آینه آن روز و مکانی را که آیه در آن مکان بر پیامبر ﷺ نازل شده است می‌دانم، آیه زمانی بر پیامبر نازل شده که آن حضرت ﷺ قائم به عرفه بوده و آن روز، جمعه بوده است». (همان) در اینجا اجمالاً در پاسخ به ایشان می‌گوییم:

یک: روایتی که بیانگر شأن نزول آیه درباره کامل شدن فرایض و حدود است، در تقابل با روایاتی است که شأن نزول آیه را در خصوص غدیرخم می‌داند؛ روایاتی که به اتفاق فریقین متواتر یا صحیح هستند، بنابراین روایت آنها از درجه اعتبار ساقط می‌شود.

دو: اگر مراد از اکمال دین، فرایض و حدود حلال و حرام و ... باشد، این مورد چگونه باعث یأس و ناامیدی کفار می‌شود؟ قبل از آن هم فرایض نازل شده بود، ولی کفار به جای یأس و ناامیدی، پیامبر اکرم ﷺ را اذیت می‌کردند و اینکه قبلاً هم احکام و فرایض و حدود حلال و حرام نازل شده بود، پس چرا خدا رضایت خود را اعلان نکرده بود؟ از اینجا معلوم می‌شود قضیه غیر از آن چیزی است که آنها بیان نموده‌اند.

دو. مفسران قائل به نزول آیه در روز غدیرخیم

- حاکم حسکانی (م. ۴۸۰ ق)

از جمله کسانی که قائل به نزول آیه اکمال در روز غدیرخیم و مرتبط با جانشینی امام علی علیه السلام است، حاکم حسکانی است. ایشان در تفسیر این آیه می‌نویسد: این آیه در روز غدیرخیم در شأن حضرت علی علیه السلام و ولایت آن حضرت نازل شده است. سپس حسکانی دو روایت را از دو طریق در این باره ذکر می‌کند که به آنها اشاره می‌شود؛

یکم. روایتی را به نقل از ابن عباس ذکر می‌کند که می‌گوید:

ما همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله در حال طواف بودیم که ایشان فرمود: آیا در میان شما علی بن ابی‌طالب علیه السلام هست؟ گفتیم: بله ای رسول خدا صلی الله علیه و آله علی به نزد پیامبر آمد و پیامبر اکرم بر شانه علی زد و فرمود: مبارک باد ای علی، الآن این آیه بر من نازل شد که در آن، ذکر من و تو مساوی است و آن آیه این است: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...» (حسکانی، ۱۴۱۱: ۱ / ۱۶۰)

دوم: روایتی را به نقل از ابوسعید خدری ذکر می‌کند که می‌گوید:

وقتی این آیه - الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ ... - در غدیرخیم نازل گردید، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: الله اکبر بر کامل شدن دین و تمام شدن نعمت و رضای پروردگار به رسالت من و ولایت علی علیه السلام بعد از من. سپس فرمود: هر کس که من مولای اویم، علی مولای او است. پروردگارا، دوست علی را دوست بدار و دشمن او را خوار و ذلیل فرما. (همان: ۱۶۱)

واکاوی مفاهیم و قرائن داخلی و خارجی

هرچند فریقین در پاره‌ای از نقاط درباره آیه اکمال اتفاق نظر دارند که در تفسیر آیه مؤثر است، اما آنان درباره این آیه دارای اهمیت که از اکمال دین، اتمام نعمت و ... خبر می‌دهد، در پاره‌ای از نقاط دچار اختلاف نظراند. این جای بسی شگفتی است زیرا که:

یکم. این آیه از قبیل اولین آیات نازل شده بر رسول مکرم نیست که شاهد نزول آن نبوده باشند، بلکه آخرین آیه و یا از آخرین آیاتی است که بر آن حضرت نازل شده است.

دوم. این امر از جهت دیگری نیز شگفت آور است؛ زیرا تعداد اندکی از صحابه زمان نزول و کیفیت

آن را نقل کرده‌اند؛ درحالی که اهمیت موضوع آیه اقتضا دارد که انبوهی از صحابه ناقل آن باشند. به نظر می‌رسد، نقطه اصلی تمایز در دیدگاه فریقین در دو امر نهفته است: یکی در تعیین روزی که در این آیه با تعبیر «لیوم» از آن یاد شده است و دیگری علت نزول این آیه. این دو امر، اهمیت بسزایی در مباحث کلامی و تفسیری فریقین دارد. برای شناخت روز نزول این آیه می‌توان از شواهد و قرائن استمداد نمود.

قرائن دال بر نزول آیه اکمال در روز غدیرخم

روایات متعددی از طریق شیعه و اهل سنت رسیده است که آیه مورد نظر را به روز غدیرخم اختصاص داده است. افزون بر آنها در کتاب‌های تاریخی مانند *تاریخ یعقوبی* - که کتابی است تاریخی و نه حدیثی - حادثه غدیرخم به تفصیل نقل شده است. (یعقوبی، بی تا: ۱ / ۱۵۰۸)

در بررسی‌های انجام شده در روایات شیعی، اعم از روایاتی که دلالت بر نزول آیه در عرفه و یا دلالت بر نزول آن در روز غدیر دارد، علت نزول آیه اکمال را درباره ولایت و امامت حضرت علی علیه السلام قطعی می‌دانند. (علم الهدی، ۱۴۱۱: ۴ / ۱۳۰) این احتمال با محتویات آیه کاملاً سازگار است؛ زیرا روز غدیرخم که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم امیرمؤمنان علی علیه السلام را به صورت رسمی برای جانشینی خود تعیین کرد، کفار دچار یأس شدند؛ چون انتظار داشتند که آیین اسلام قائم به شخص باشد و با از میان رفتن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اوضاع به حال سابق برگردد و اسلام به تدریج برچیده شود، اما هنگامی که مشاهده کردند مردی که از نظر علم، تقوا، قدرت و عدالت بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در میان مسلمانان بی نظیر بود به عنوان جانشینی پیامبر انتخاب شد و از مردم برای او بیعت گرفت، یأس و نومیدی نسبت به آینده اسلام آنها را فرا گرفت و فهمیدند که آیینی ریشه‌دار و پایدار است. در این روز بود که آیین اسلام به تکامل نهایی خود رسید؛ زیرا بدون تعیین جانشین برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و بدون روشن شدن وضع آینده مسلمانان، این آیین به تکامل نهایی نمی‌رسید.

بنابراین پژوهشگر شیعی در اینجا با مشکلی روبه‌رو نمی‌شود؛ چراکه با توجه به روایات اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایات معارض با آنها را رها می‌کند. عالم شیعی در این زمینه روایت‌های صحیحی در دست دارد که برخی روایت‌های اهل سنت نیز آنها را تأیید می‌کند، اما محقق سنی با مشکل مواجه است؛ زیرا سرگردان می‌شود که با دو مجموعه روایات متعارض چگونه رفتار کند و کدام دسته را ترجیح دهد و کدام را رد کند؟ آیا روایات روز عرفه را ترجیح دهد یا روز غدیرخم را؟

موضوعی که بیشتر عالمان سنی در پیش گرفته‌اند، این است که روایات حاکی از نزول آیه اکمال دین در روز عرفه به طُرُق بیشتری نقل گردیده و طبق نظر آنها از جهت بررسی سند نیز صحیح هستند، پس باید به این روایات توجه کرد و روایت‌های مخالف آن (مربوط به غدیرخم) را رد کرد. بنابراین در روایات بیان شده است که برخی از اهل سنت مانند ابن کثیر و سیوطی، روایاتی که شأن نزول آیه را مربوط به غدیرخم می‌دانستند، ضعیف شمرده‌اند (ابن کثیر، ۱۹۸۷: ۲ / ۱۲؛ سیوطی، ۱۳۶۳: ۳ / ۱۹) و مفسرانی مثل آلوسی می‌گویند: این روایات از مفتریات شیعه است. (آلوسی، ۱۴۱۷: ۳ / ۲۳۳)

رد ادعای اهل سنت مبنی بر دلالت شأن نزول آیه بر عرفه در روز جمعه

مفسران شیعه برخلاف اهل سنت، دلالت شأن نزول آیه در روز عرفه را از نظر علمی، نظریه درستی نمی‌دانند، ولی دلایل ادعای اکثر علما و مفسران اهل سنت که آن را نقل کرده بودند، روایتی بود از طارق بن شهاب به نقل از عمر که شأن نزول آیه را روز عرفه می‌دانست. در اینجا ضمن نقد و بررسی این قول بیان می‌کنیم که نزول این آیه در روز غدیرخم و پس از اعلان جانشینی و امامت حضرت علی علیه السلام بوده است؛ زیرا:

یکم. به نظر می‌رسد که روایت نقل شده از عمر درباره شأن نزول آیه اکمال، دچار تعارض است؛ زیرا برخی از روایات به نقل از عمر، آن روز را عرفه در حجة الوداع و روز پنج شنبه (شب جمعه) دانسته‌اند نه روز جمعه که اکثر مفسران به آن قائل هستند و در برخی از تفاسیر و روایات دیگر، روز نزول آیه را روز دوشنبه ذکر نموده‌اند که این خود نیز نوعی تعارض است. در اینجا از باب نمونه روایاتی را نقل می‌کنیم:

نسائی در سنن خود می‌نویسد:

اسحاق بن ابراهیم به ما خبر داد که عبدالله بن ادریس به نقل از پدرش و او از قیس بن مسلم و وی از طارق بن شهاب نقل کرده است که گفت: شخصی یهودی به عمر گفت: اگر این آیه - «الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» ... - بر ما فرود آمده بود آن را عید می‌گرفتیم. عمر گفت: من روز و شب نزول این آیه را می‌دانم؛ شب جمعه بود و ما با رسول خدا صلی الله علیه و آله در عرفات بودیم. (نسائی، ۱۴۱۹: ۵ / ۲۵۱)

از این رو رأیی که از عمر نقل شده (مبنی بر نزول آیه در روز جمعه) با آنچه به روایت صحیح از او نقل شده است، تعارض دارد. همچنین برخی‌ها روز نزول آیه را روز دوشنبه دانسته‌اند؛ به‌عنوان

مثال محمد بن جریر طبری و ماوردی در تفسیر خود می‌نویسند:

... نزلت هذه الآية؛ أعني قوله تعالى - الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ ... - يوم الاثنين.

(طبری، ۱۹۸۸: ۶ / ۱۰۱؛ ماوردی، ۱۴۱۶: ۱ / ۴۶۶)

این آیه، یعنی کلام خدا که فرمود: - امروز دین شما را کامل نمودم - در روز دوشنبه نازل شد.

همچنین سیوطی و ابن کثیر نیز روز نزول آیه اکمال را روز دوشنبه بیان نموده و در این باره روایتی را از ابن عباس ذکر نموده‌اند که گفته بود: «پیامبر روز دوشنبه متولد شد و در روز دوشنبه از مکه خارج و در روز دوشنبه به مدینه وارد شد و سوره مائده (آیه اکمال) در روز دوشنبه نازل شد و روز دوشنبه هم وفات نمود.» (سیوطی، ۱۳۶۳: ۲ / ۲۵۸؛ ابن کثیر ۱۹۸۷: ۲ / ۱۵) بنابراین به سبب وجود تعارض نمی‌توان گفته عمر را که روز جمعه را روز نزول آیه می‌دانست، پذیرفت.

دوم. شواهدی وجود دارد که نزول آیه را در غدیر خم ثابت می‌کند به اینکه گروهی از تفاسیر اهل سنت مانند: تفسیر کبیر فخر رازی (۱۱ / ۱۳۹)، تفسیر الدر المنثور (۲ / ۲۵۹)، تفسیر ابن کثیر (۲ / ۱۴)، تفسیر روح المعانی (۶ / ۶۰)، تفسیر المنیر (۶ / ۸۵)، تفسیر ابوالسعود (۳ / ۷) تفسیر المنار (۶ / ۱۵۴)، فتح القدير (۲ / ۱۲)، تفسیر ثعالبی (۲ / ۳۴۳)، تفسیر فتح البیان (۳ / ۳۴۴)، تفسیر نیشابوری (۴ / ۴۰) و تفسیر طبری (۶ / ۹۶) ذیل آیه تصریح دارند که پیامبر اکرم ﷺ بعد از نزول این آیه، ۸۱ یا ۸۲ روز بیشتر زنده نبوده‌اند و از سوی دیگر، نزد مورخین اهل سنت مشهور است که روز ۱۲ ربیع الاول مصادف با روز تولد و نیز وفات پیامبر اکرم ﷺ است. کتب تاریخ و سیره بر این قول تأکید دارند. (طبری، ۱۳۸۷: ۳ / ۲۰۰) علمای اهل سنت نیز غیر از این روز را روز وفات پیامبر نمی‌دانند. بنابراین با این مقدمه معلوم می‌شود، روز نزول آیه شریفه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا» روز ۱۸ ذی‌الحجه؛ یعنی روز غدیر خم است؛ زیرا از روز ۱۸ ذی‌الحجه تا ۱۲ ربیع الاول ۸۱ یا ۸۲ روز، فاصله است و سخن مدعیان نزول آیه در روز عرفه - که بر این امر بسیار تأکید دارند - با این قول تطبیق ندارد، زیرا فاصله روز عرفه تا ۱۲ ربیع الاول ۹۱ روز است. در نتیجه آیه در روز غدیر نازل شده است.

سوم. نظر آنان بر این است که روایات شیعه افزون بر آنکه دارای طُرُق کمتری است، ضعف سند نیز دارد. در مقابل، روایات اهل سنت هم دارای طُرُق بیشتر و هم دارای سند قوی‌تری است. در صورتی که کلام اهل سنت توهمی بیش نیست؛ زیرا این تعارض که آنها بیان می‌کنند تعارض میان

بررسی دیدگاه‌های تفسیری ثعلبی، رازی، سیوطی، آلوسی و زحیلی در ... □ ۱۹۳

حدیثی از پیامبر ﷺ و گفته خلیفه، عمر بن خطاب است. احادیثی که آنها ضعیف شمرده‌اند، احادیثی است که اسنادشان به پیامبر ﷺ می‌رسد (ابن طاووس، ۱۴۱۳: ۵۷۸؛ کلینی، ۱۳۸۸: ۱ / ۲۹۰) درحالی‌که احادیث بخاری و دیگران نقل سخن عمر است و به پیامبر ﷺ اسناد داده نشده است. (بخاری، ۱۴۰۷: ۱ / ۲۵؛ قرطبی، ۱۹۸۵: ۶ / ۶۱) پس محقق سنی نمی‌تواند در مورد سبب نزول قرآن به سخن عمر استدلال کند و با آن، حدیث پیامبر ﷺ را در این باب رد کند بلکه باید در سند و متن آن حدیث نبوی تحقیق و تفحص کند و اگر آن را صحیح یافت، باید آن را بگیرد و سخن عمر را رها کند. چهارم. در صحیح بخاری گفته شده سفیان ثوری از پیشوایان حدیث و کلام در نزد اهل سنت، با این قول که نزول آیه روز عرفه و در روز جمعه است، موافق نیست. عبارت بخاری چنین است: «قال سفیان و أشک کان یوم الجمعة أم لا ...؛ سفیان گفته: شک دارم که آن روز جمعه بوده یا غیر آن». (بخاری، ۱۴۰۷: ۵ / ۱۲۷)

پنجم. در برخی از روایات اهل سنت چنین بیان شده است که پیامبر اکرم ﷺ در روز عرفه در حجة الوداع نماز ظهر و عصر را با هم به جا آوردند. (نسائی، ۱۴۱۹: ۵ / ۲۵۱) با این اوصاف معلوم می‌شود نزول این آیه در روز جمعه نبوده است و روایت نقل شده از عمر را که روز نزول را جمعه می‌داند، با مشکل مواجه می‌سازد.

ششم. به نظر می‌رسد پاسخ عمر به شخص یهودی نه برای یهودی و نه برای مسلمان قانع‌کننده نیست. اگر مقصود خلیفه دوم این‌گونه باشد که چون نزول این آیه با روز عرفه مصادف شده، بنابراین ما آن را عید نگرفتیم، در این صورت یهودی می‌تواند پاسخ دهد که، چرا پروردگار شما با اینکه می‌دانست امروز برای شما عید است، عید را بر شما خراب کرده و آیه‌ای را در این روز نازل کرده است؟

وجه جمع

شاید بتوان بین دو دسته روایتی که درباره زمان نزول آیه اکمال است (نزول در عرفه و نزول در غدیر) جمع کرد و تهافت بین آنها را از میان برد و وجوهی را برای وجه جمع آن بیان کرد، علما و مفسران در کتب روایی و تفسیری خود روایاتی را از باب وجه جمع ذکر نموده‌اند که از جمله آنها عبارتند از: یکم. احتمال دارد که آیه اکمال دوبار نازل شده باشد: یکبار در روز عرفه و بار دیگر در روز غدیر. در عرفه اعلان غیررسمی و در غدیرخیم، اعلان رسمی بوده است و در هر دو، اعلان نیز مرتبط با ولایت امام علی ﷺ است. برخی از بزرگان فریقین این احتمال را داده‌اند. (مجلسی، ۱۹۸۳: ۳ / ۲۶۰؛ ابن جوزی، ۱۴۰۱: ۳۷) این قول را روایاتی زیادی از فریقین تصدیق می‌کنند، از جمله روایاتی که در

منابع شیعه و اهل سنت بیان شده عبارت است از: «پیامبر خدا ﷺ از توطئه جریان نفاق و تفرقه امت و ارتداد آنان درباره اعلان ولایت امام علی ﷺ بیمناک بود. (کلینی، ۱۳۸۸: ۱ / ۲۸۹؛ ابن طاووس، ۱۴۱۳: ۳۴۴) از این رو حضرت پس از نزول این آیه در حجة الوداع در عرفه، اعلان رسمی ولایت را به تأخیر انداخت و از خدا تضمین خواست و در پی آن آیه «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ؛ ای رسول ابلاغ کن آنچه را که بر تو وحی شده است» نازل شد و در آن تضمین خدا مبنی بر «وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ؛ و خدا تو را از گزند مردم حفظ می کند» اعلان شد. آنگاه حضرت در غدیر به طور رسمی ولایت امام علی ﷺ را اعلان کرد و پس از آن دوباره آیه اکمال نازل شد».

همچنین ابن طاووس روایتی را به همین مضمون با سند از احمد بن محمد طبری، از امام باقر ﷺ نقل کرده است که امام فرمود: «چون پیامبر خدا در عرفه وقوف کرد، جبرئیل این آیه را نازل کرد و گفت: ای محمد ﷺ علی را برخیزان و بر ولایت او بیعت بگیر ... پس حضرت از توطئه اهل نفاق و شقاوت که مبدا بین امت تفرقه بسازند یا آنان را به جاهلیت برگردانند، بیمناک شد؛ چون از دشمنی و کینه تیزی عده‌ای در مورد امام علی ﷺ باخبر بود، از این رو از جبرئیل تضمین خواست ... تا به غدیر خم رسیدند ...» (همان: ۳۴۵) فتال نیشابوری نیز به صورت مرسل، مضمون این حدیث را آورده است. (فتال نیشابوری، ۱۴۲۳: ۱ / ۲۱۶)

از زید بن ارقم صحابی نیز که خود شاهد ماجرا بوده، روایتی نقل شده است که می‌گوید:

جبرئیل روح الامین در عصر روز عرفه، ولایت علی بن ابی طالب ﷺ را بر رسول خدا ﷺ فرود آورد. حضرت دلتنگ شد؛ چون از تکذیب اهل نفاق و افک بیمناک بود، از این رو ایشان گروهی را که من نیز در میان آنان بودم فراخواند و در این باره با آنان مشورت کرد تا آن را ابلاغ کند، ما نمی‌دانستیم در این باره چه بگوییم. (حسکانی، ۱۴۱۱: ۱ / ۳۵۶)

سبط بن جوزی نیز در این باره می‌نویسد:

احتمل انّ الایه نزلت مرتین، مرّه بعرفه و مرّه یوم الغدیر کما نزلت بسم الله الرحمن الرحیم مرتین، مرّه بمکه و مرّه بالمدينه. (ابن جوزی، ۱۴۰۱: ۳۶)

احتمال دارد آیه دوبار نازل شده باشد، یکبار در روز عرفه و بار دیگر در روز غدیر، همان طور که بسم الله الرحمن الرحیم دوبار نازل شد یکبار در مکه و دیگر بار در مدینه.

بررسی دیدگاه‌های تفسیری ثعلبی، رازی، سیوطی، آلوسی و زحیلی در ... □ ۱۹۵

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که احتمال دارد آیه دو بار نازل شده باشد و هر دو بار، پیامبر اکرم ﷺ آن را ابلاغ کرده باشد؛ یک‌بار در عرفه به صورت غیررسمی برای برخی از صحابه که برای استشارة جمع شده بودند و یک‌بار در غدیر به طور رسمی برای عموم مردم.

دوم. برخی احتمال داده‌اند که آیه تنها در عرفه نازل شده، اما پیامبر تا فرارسیدن روز غدیر خم مأمور به ابلاغ آن نبوده است. علامه طباطبایی نیز این احتمال را که روز نزول آیه، عرفه و روز ابلاغ آن در غدیر باشد، قوی می‌داند. (طباطبایی، ۱۳۴۸: ۵ / ۱۹۶)

سوم. احتمال دیگری برای وجه جمع ذکر شده است و آن اینکه حادثه غدیر در واقع شرح و توضیح حدیث ثقلین است که از پیامبر اکرم ﷺ صادر شده است. هنگامی که پیامبر خدا در حجة الوداع و در محل اجتماع عمومی مردم از جمله در مسجد خیف (هیثمی، بی تا: ۱۵۰) در روز عرفه (ابن جوزی، ۱۴۰۱: ۲۳۴؛ یعقوبی، بی تا: ۲ / ۱۱۲) و در غدیر حدیث ثقلین را اعلان فرموده است. این مطلب ضمن آنکه نشان می‌دهد یکی از رسالت‌های پیامبر اکرم ﷺ در حجة الوداع (افزون بر آموزش مناسک حج) اتمام حجت بر مردم درباره ثقلین بوده است، آشکار می‌کند که با اعلان رسمی حدیث ثقلین توسط پیامبر خدا ﷺ در اجتماع مردم، یأس کفار، اکمال دین، اتمام نعمت و خشنودی خدا از اسلام حاصل آمد. آیه اکمال به همین علت نازل شد و حضرت رسول نیز آن را در همان جا اعلان فرمود. حادثه غدیر نیز در واقع شرح و توضیح پیامبر اسلام ﷺ درباره حدیث ثقلین بوده است. (نجارزادگان، ۱۳۹۰: ۱۹۰)

این احتمال‌ها برای جمع بین دو دسته روایت است، اما اگر نتوان آنها را جمع کرد، احادیثی که از نزول آیه در عرفه حکایت می‌کنند (به‌ویژه آن دسته از احادیث که علت نزول را موردی غیر از ولایت امام علی ﷺ می‌دانند) به دلیل ضعف‌های متعدد درون‌متنی و برون‌متنی ساقط خواهند بود. برخی از دانشمندان شیعی نیز به تفصیل از این ضعف‌ها پرده برداشته‌اند. (طباطبایی، ۱۳۴۸: ۵ / ۱۶۹)

رد ادعای اهل سنت در تفسیر آیه اکمال مبنی بر کامل شدن فرایض و حدود

بسیاری از مفسران اهل سنت در تفسیر آیه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» نقل کرده بودند که مراد از اکمال دین در آیه، کامل شدن فرایض و حدود است. (طبری، ۱۹۸۸: ۶ / ۷۹؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۴ / ۱۷؛ زمخشری، بی تا: ۱ / ۶۰۵؛ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۱ / ۴۵۳؛ رازی، ۱۴۲۱: ۱۱ / ۲۸۹؛ آلوسی، ۱۴۱۷: ۳ / ۲۳۲؛ زحیلی، ۱۴۱۸: ۶ / ۸۶) یعنی خدا هر آنچه از احکام، فرایض و حدود بوده، نازل نموده است. در روایت آمده پس از نزول این آیه هیچ حلال و حرام و حکمی نازل نشده است؟

در پاسخ این ادعا می‌گوییم: این روایات با روایات دیگری که از علمای اهل سنت نقل شده است در تعارض است، به‌عنوان مثال:

یکم. روایتی که بیانگر شأن نزول آیه در خصوص کامل شدن فرایض و حدود است با روایاتی که شأن نزول آیه را در خصوص غدیرخیم می‌داند در تقابل است، از این رو روایاتی که فریقین آن را نقل نموده و به آن استدلال نموده‌اند، از درجه اعتبار ساقط می‌شود. (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۸ / ۲۹؛ جوینی، ۱۳۹۸: ۱ / ۷۴؛ حسکانی، ۱۹۷۴: ۱ / ۲۳۸؛ خوارزمی، ۱۴۲۱: ۱۳۵؛ کوفی، ۱۴۱۲: ۱ / ۱۱۸) دوم. اگر مراد از اکمال دین، فرایض و حدود حلال و حرام و ... باشد این مورد چگونه باعث یأس و ناامیدی کفار می‌شود؟ قبل از آن هم فرایض نازل شده بود، اما کفار به‌جای یأس و ناامیدی، پیامبر اکرم ﷺ را اذیت می‌کردند و اینکه قبلاً هم احکام و فرایض و حدود حلال و حرام نازل شده بود؛ پس چرا خدا رضایت خود را اعلان نکرده بود؟ معلوم می‌شود قضیه غیر از بیان احکام و فرایض است.

سوم. اگر مراد از اکمال، رساندن دین بر اثر نازل شدن بقایای حلال و حرام در این روز (عرفه) بوده و به‌سبب آن یأس و ناامیدی بر دل کفار مسلط و آثار آن بر چهره‌هایشان هویدا شده، لازم است سوال شود کفاری که در آیه «الَّذِينَ كَفَرُوا» از آنها تعبیر شده است چه کسانی بوده‌اند؟

اگر مراد، کفار عرب باشد که تا آن روز اسلام شامل حال آنها شده بود و در بین آنان کسی نبود که تظاهر به غیر اسلام کند، خود این تظاهر به اسلام در حقیقت اسلام (تسلیم شدن) ظاهری آنان بود، بنابراین کافر عربی باقی نمانده بود و اگر مراد، کفاری از نژادها و ملت‌های دیگر باشد - چنان که گفته شد - آنان هم در آن روز از غلبه بر مسلمین مأیوس بودند، از این رو این قول نمی‌تواند صحیح باشد.

چهارم. در این سخن آنها که گفته‌اند: «در روایت آمده بعد از این آیه، - «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» - هیچ حلال و حرام و حکمی نازل نشده است» تناقض وجود دارد، زیرا روایات زیادی وجود دارد که احکام و فرایضی بعد از روز عرفه نیز به ما رسیده است، مانند احکامی که در آیه کلاله (نساء / ۱۷۶) و آیات ربا (بقره / ۲۷۸ - ۲۷۵) نازل شده است. (زرکشی، ۱۴۰۲: ۱ / ۲۰۹) حتی از عمر روایت شده که در ضمن خطبه‌ای که ایراد می‌کرد، گفت: «آخرین آیه‌ای که نازل شد آیه ربا بود و پیامبر ﷺ وفات یافت و این آیه را برای ما بیان نکرد، پس آنچه شما را به شک می‌اندازد، رها کنید و دنبال چیزهایی بروید که شما را دچار شک نکنند. (طبری، ۱۳۸۷: ۲ / ۱۱۴) بخاری نیز در صحیح خود از ابن عباس روایت نموده است که آخرین آیه‌ای که بر پیامبر ﷺ نازل شد آیه ربا بود (بخاری،

۱۴۰۷: ۵ / ۲۶۷) قرطبی نیز در تفسیرش بیان داشته است که بعد از نزول این آیه، بسیاری از آیات مانند آیه ربا، آیه کلاله و ... نازل شد، از این رو نمی‌توان گفت که بعد از آن حلال و حرام و فرایض نازل نشد (قرطبی، ۱۹۸۵: ۶ / ۶۲) بلکه در روایات دیگری نیز آمده که گفته‌اند: احکام حدود و قصاص هم بعد از نزول این آیه نازل شد. (طباطبایی، ۱۳۸۰: ۵ / ۱۶۹)

نتیجه

با بررسی شأن نزول‌های یادشده در ذیل آیه «اکمال» می‌توان گفت که از جمله آیاتی که در مورد ولایت و جانشینی حضرت علی علیه السلام پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم مطرح شده است آیه «الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...» است. مطابق این آیه با اعلام ولایت پس از پیامبر صلی الله علیه و آله دین کامل و نعمت خدا تکمیل گشته است. در مصادر اهل سنت تنها دو دسته روایات درباره شأن نزول این آیه به چشم می‌خورد که عبارت است از: نزول آیه در حجة الوداع و روز عرفه و دیگری در روز غدیر خم. در خصوص تعیین رخداد این روز نیز، اکمال دین را به نزول همه فرایض و احکام از جانب خدا دانسته بودند. با بررسی‌های انجام شده، با دلایل مفصل بیان گردید که دلالت شأن نزول آیه در روز جمعه و روز عرفه که مستند اکثر علما و مفسران اهل سنت روایت طارق بن شهاب به نقل از عمر بن خطاب بود از نظر علمی نظر درستی نبوده و مورد نقد جدی است؛ زیرا روایتی که از عمر در خصوص شأن نزول آیه اکمال نقل شده، دچار تعارض بوده؛ زیرا برخی از روایات به نقل از ایشان آن روز را پنجشنبه (شب جمعه) و روز عرفه در حجة الوداع دانسته‌اند نه روز جمعه، و در برخی دیگر از روایات روز نزول آیه را روز دوشنبه ذکر نموده‌اند که این خود نیز نوعی تعارض است. همچنین در برخی از روایات اهل سنت چنین بیان شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز عرفه در حجة الوداع نماز ظهر و عصر را باهم به‌جا آورد. با این اوصاف معلوم می‌شود نزول این آیه در جمعه و روز عرفه نبوده است و روایت نقل شده از عمر را که روز نزول را جمعه می‌داند، دچار مشکل می‌سازد.

درباره تعیین رخداد این روز نیز عده زیادی از مفسران اهل سنت آن روز را روز خاص و مشخصی ندانسته و بیان داشته‌اند مراد از اکمال دین، روز نزول فرایض، سنن، حدود و احکام حلال و حرام بوده و پس از آن هیچ حکم دیگری از فرایض بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل نشده و دین کامل گردید، درحالی که در نقد این قول نیز بیان گردید که اولاً: روایتی که بیانگر شأن نزول آیه درباره کامل شدن فرایض و حدود است با روایاتی که شأن نزول آیه را درباره غدیر خم می‌داند در تقابل است و ثانیاً: اگر مراد از اکمال دین، فرایض و حدود حلال و حرام و ... باشد این مورد چگونه باعث یأس و ناامیدی

کفار می‌شود؟ قبل از آن هم فرائض نازل شده بود، اما کفار به‌جای یأس و ناامیدی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را اذیت می‌کردند. بنابراین با این اوصاف می‌توان بیان داشت که روز نزول «آیه اکمال» در روز غدیر خم بوده و علت نزول آن نیز مسئله ولایت و امامت حضرت علی علیه السلام پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۷ ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دار الفکر.
- ابن حنبل، احمد، ۱۴۱۷ ق، مسند، بیروت، مؤسسه الرساله.
- ابن طاووس، احمد، ۱۴۱۳ ق، التحصین، قم، مؤسسه دار الکتب.
- _____، ۱۴۱۳ ق، الیقین باختصاص مولانا علی أميرالمؤمنین علیه السلام، قم، دار الکتب.
- ابن عساکر، ابو القاسم علی بن حسن، ۱۳۹۵ ق / ۱۹۷۵ م، تاریخ مدینه دمشق، تحقیق محمدباقر محمودی، بیروت، دار التعاریف.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، ۱۹۸۷ م، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار المعرفه، ج ۲.
- ابن ماجه، محمد بن یزید، ۱۴۲۱ ق، سنن ابن ماجه، تحقیق محمدفؤاد عبدالباقی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ابن مردویه، احمد، ۱۴۲۲ ق، مناقب علی بن ابی طالب و ما نزل من القرآن فی علی، قم، دار الحدیث.
- ابن مغازلی، علی بن محمد الشافعی، ۱۴۰۳ ق، مناقب الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، تحقیق محمدباقر محمودی، بیروت، دار الاضواء.
- ابونعیم اصفهانی، احمد، ۱۴۰۷ ق، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیاء، بیروت، دار الکتب العربی، ج ۵.
- امینی، عبدالحسین، ۱۳۶۶، القدير فی الکتاب و السنه و الادب، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، ۱۴۰۷ ق / ۱۹۸۷ م، الجامع الصحیح، بیروت، دار ابن کثیر، ج ۳.
- ثعلبی، ابواسحاق احمد، ۱۴۲۲ ق، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، تحقیق ابو محمد بن عاشور، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- جوینی، ابراهیم بن محمد، ۱۳۹۸ ق، فرائد السمطین، تحقیق محمدباقر محمودی، بیروت، مؤسسه المحمودی.

- بررسی دیدگاه‌های تفسیری ثعلبی، رازی، سیوطی، آلوسی و زحیلی در ... □ ۱۹۹
- حاکم حسکانی، عبدالله بن عبدالله، ۱۴۱۱ ق، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الآیات النازلہ فی اهل البيت*، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
- خوارزمی، الموفق بن احمد المکی، ۱۴۲۱ ق، *المناقب*، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ج ۴.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۴۲۱ ق / ۲۰۰۰ م، *مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر)*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- زحیلی، وهبه بن مصطفی، ۱۴۱۸ ق، *التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج*، بیروت، دار الفکر المعاصر.
- زرکشی، محمد بن بهادر، ۱۴۰۲ ق، *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت، دار الزهراء، ج ۲.
- سبحانی، جعفر، ۱۳۷۶، *منشور عقاید امامیه*، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- سبط ابن الجوزی، یوسف، ۱۴۰۱ ق، *تذکره الخواص*، بیروت، مؤسسه اهل البيت علیهم السلام.
- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، ۱۳۶۳، *الدر المثور فی التفسیر بالمأثور*، تهران، امیرکبیر.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۴۰۳ ق، *الخصال*، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۴۸، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه محمدجواد حجتی کرمانی، قم، دار العلم.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۳۸۷ ق، *تاریخ طبری*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار الفکر، ج ۲.
- _____، ۱۹۸۸ م، *جامع البیان عن تأویل القرآن*، بیروت، دار الفکر.
- علم الهدی، مرتضی، ۱۴۱۱ ق، *الذخیره فی علم الکلام*، تحقیق سید احمد حسینی، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
- فتال نیشابوی، محمد، ۱۴۲۳ ق، *روضه الواعظین*، تحقیق غلامحسین مجیدی و مجتبی فرجی، قم، دلیل ما.
- قرطبی، محمد بن احمد، ۱۹۸۵ م، *الجامع لاحکام القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۸ ق، *الکافی*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- کوفی، محمد، ۱۴۱۲ ق، *مناقب الامام امیرالمؤمنین*، تحقیق محمدباقر محمودی، قم، مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه.
- ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد، ۱۴۱۶ ق / ۱۹۹۶ م، *الاحکام السلطانیه*، بیروت، المكتبه الاسلامی.
- مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ ق، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، تحقیق عبدالله محمود شحاته، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۲۰۰ □ فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تفسیری، س ۷، پاییز ۹۵، ش ۲۷

- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۰، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چ ۱۴.

- نجارزادگان، فتح‌الله، ۱۳۹۰، بررسی تطبیقی تفسیر آیات ولایت در دیدگاه فریقین، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

- نسائی، احمد بن شعیب، ۱۴۱۹ ق، خصائص أمير المؤمنين علی بن ابی طالب علیه السلام، تحقیق محمد کاظم محمودی، قم.

- نیشابوری، نظام‌الدین حسن بن محمد، ۱۹۹۶ م، غرائب القرآن و رغائب الفرقان، بیروت، دار الکتب العلمیه.

- هیشمی مکی، احمد بن حجر، بی تا، الصواعق المحرقة فی الرد علی اهل البدع و الزندقه، تحقیق عبدالوهاب عبدالطیف، قاهره، مکتبه القاهره.

- یعقوبی، احمد بن اسحاق، بی تا، تاریخ یعقوبی، بیروت، دار الصادر.

